

یادداشت خبرنگار مستعنی

آرزوهای کوچک زنان وپنج ثانیه برف



لیلی فرهادپور

● سال‌هاست پدیده‌ای به نام «فیلمی» را می‌شناسیم. فیلمی شخصی است که فرشده فیلم‌های خارجی است. آن قدیم‌ها تو کیف و کوله‌اش وی‌اچ‌اس بود و بعدها دی‌وی‌دی، تازگی‌ها هارد و فلش هم همراهش است. این‌بار فیلمی ما از انبوه دی‌وی‌دی‌های اکثرا هالیوودی‌اش فیلمی بیرون آورد و گفت: «این یکی راست کار شماست!». فیلم خیلی نویی نبود، از یک فیلم‌ساز لبنانی؛ «نادین لبکی»، محصول ۲۰۱۱. فیلم‌سازی که فیلم «کارمل» او معروف شده بود، جاپان خالی عجیب فیلمی بود. سه بار دیدمش! «حالا ما کجا برویم» داستان زنان یک روستا در ناکجاآبادی است. دهکده‌ای محصور در زمین‌های پر از مین و جدافتاده از کشور. کشوری که درگیر جنگ فرقه‌ای بین مسلمانان و مسیحیان است؛ مثلا لبنان. اما زنان این دهکده، مسیحی و مسلمان، دست به دست هم می‌دهند تا مردانشان درگیر جو این جنگ و نفاق نشوند. در صحنه آغازین فیلم، زنان عزادار و سیاهپوش به سمت قبرستان می‌روند و با همراهی موزیک و حرکات فرمیک برای عزیزانشان عزاداری می‌کنند. با اینکه قبرهای کشته‌شدگانشان از یکدیگر جدا افتاده است، اما این زنان از هم جدا نیستند چون یک آرزو دارند؛ آرزوی آنکه در صلح باشند، در آرامش. برای مردانی که رگ گردنشان از غیرت بیرون می‌زند، این آرزو حقیر است. آنان باید تنگ به دست بگیرند و به جان هم بیفتند.

بار اول که فیلم را دیدم فکر کردم چه می‌شد در این دوره که گهگاه فیلم‌های خارجی در سینماها به نمایش درمی‌آید این‌ فیلم را نمایش دهند؟ یا اصلا چه می‌شد در شبکه‌های صداوسیما این فیلم را نمایش دهند؟ این فیلم مسلمانا خیلی بهتر از فیلم‌های پر از نفرت و خشونت و غیرانسانی‌ای است. ده بار چندگانه پر از خرافه و خشونتِ ارباب خلق‌ها به دزدان دریای کاراییب را دیدن، به نفع خانواده‌هاست یا دیدن فیلم نادین لبکی؟ این شد که بار دوم این فیلم را برای این دیدم تا خودم را جای مسئول بخش یا سانسورچی محترم بگذارم و ببینم چگونه می‌شود فیلم زیبا، انسانی، ضد جنگ یا به قول جشنواره‌ای‌ها فیلم محترم و شریف! «حالا ما کجا برویم» را کار کرد.

در فیلم شیخ و کشیش با هم دوستاند و با زن‌ها دوست به یکی می‌کنند تا مردان غیور را آرام کنند، خب این یک هیچ به نفع فیلم، به ضرر سانسورچی. زنان با ماهواره مخالف‌اند چون اولا فکر جوانان را منحرف می‌کنند، دوم اینکه خبر نفاق و جنگ را به گوش مردان می‌رساند؛ دو هیچ به نفع فیلم. اما لباس زن‌های مسیحی کمی ناجور است؛ اشکال ندارد، یک دستگاه تلویزیون دارد که برایشان آستین و یقه می‌گذارد. اما حرکات موزون زنان وقتی با هم جمع می‌شوند؟ خب این را فیچی می‌کنیم... بچه‌های شیطان مسلمان مجسمه حضرت مریم را می‌شکنند. زنان مسلمان کمک می‌کنند مجسمه را درست کنند. جوانان شیطان مسیحی مسجد را کثیف می‌کنند، زنان مسیحی می‌آیند تمیز می‌کنند. خب اینها که خیر است... اما مردها همچنان جنگ دارند. زنان تصمیم می‌گیرند چند نفر از اهالی روس دعوت کنند به روستا سر مردها گرم شود و جنگ نکنند. این را چه کار کنیم؟ خب در دوبله می‌گوییم مثلا جهانگردند و لباس‌ها را هم که می‌پوشانیم... می‌شود جان سالم به در ببرند. اما فیلم می‌رسد به جایی که بچه یکی از مسیحیان در خارج از روستا به وسیله تندروهای مسلمان کشته می‌شود. مادر جسد بچه‌اش را پنهان می‌کند مبادا دلیلی شود بر خونریزی در روستا. اینجااست که زنان وهربان مذهبی دهکده متحد می‌شوند... نه، دیگر جقدر سانسور کنیم. مگر می‌شود از صحنه‌ای که زنان مسیحی و مسلمان دست به یکی کرده‌اند تا در شیرینی و نانی که می‌پزند حبشیش و قرص خواب بپزند و مردها را خواب کنند و اسلحه‌هایشان را به دره بپزند، نمایش و آوازشان را حذف کرد؟ شاید هم بشود... بار سوم فیلم را با این همه سانسوری که نوشته بودم، به صورت فرضی دیدم. نه نمی‌شود!ا هیچی از فیلم نمی‌ماند. این آرزوی کوچک من که چنین فیلمی از تلوزیون ما پخش شود نیز ناکم می‌ماند. چندروزی در این ناکامی مانده بودم که رفتم دیدن «چند ثانیه برف» کار مرتضی مینمنظمی با بازی رؤفا تیموریان، فرشته صدعرفایی، آزاده صمدی، سپیده صباغ و سارا لاهوت. داستان آرزوهای کوچک و ناکام پنج زن. اخراج‌نشدن از دانشگاه، برنگشتن به افغانستان جنگ‌زده، دست محبت و حمایتی بر سر داشتن و کار و امنیت و عشق... عباس جمالی نویسنده این نمایش نیز از آن مردهای است که رگ گردنش برای آرزوهای کوچک ناکام‌مانده زنان ورم می‌کند، نقشی الهام‌گرفته از قاتل زلّهای شیراز را ایفا می‌کند تا شاید آرزوهای کوچک زنان در پنج ثانیه برف به نمایش درآید. پنج ثانیه برف که به چشم برهم‌زدنی آب می‌شود.

شبکه آفتاب: «در حال مذاکره با مسئولان پرلاشز هستیم تا قبر نمادینی از شاعر تهران را در این گورستان بگذاریم، شاید که این قبر بایرچا بماند؛ در تهران که پتک بر آن زنده». این آخرین گفته‌ها مهدی اخوت است از تصمیم خانواده او برای احیای سنگ قبر دوست و همراهش محمدعلی سپانلو؛ سنگ قبری که اواخر مهر خبر شکسته‌شدنش از سوی عواملی ناشناس، منتشر شد. «جالب اینجا است مسئولان بهشت‌زها هیچ مسئولیتی در این زمینه قبول نمی‌کنند. آنها گفتند به ما مربوط نیست، ما هم فعلا یک سنگ قبر معمولی روی مزار سپانلو گذاشتیم. این همان سنگی بود که پیش از سنگ قبر اثر آقای باربد گلشیری، روی قبر گذاشته بودیم. بعد هم مسئولان آمدند با این سنگ قبر جدید عکس سلفی گرفتند و گفتند که هیچ اتفاقی نیفتاده است». اخوت می‌گوید: «حتی اگر مسئولان پرلاشز هم موافقت نکنند که به احتمال ۹۹ درصد موافقت می‌کنند، سنگ قبر نمادینی را در خانه سپانلو می‌گذارم، چراکه تنها اتجا را امن می‌دانم و دلم نمی‌خواهد فاجعه سنگ قبر احمد

به زعم بسیاری از اهالی سینما، پخش تیزر فیلم‌های سینمایی از شبکه «جم» توانست مخاطبان بیشتری را متوجه اکران آثار کند، هرچند به همان اندازه برخی از سینماگران را با مشکلات بسیاری روبه‌رو کرد. «ممنوع‌الکاری» عوامل و سازندگان آثاری که تبلیغ آثارشان از شبکه جم پخش می‌شد، برخی از حواشی چند ماه گذشته است. پس از کش‌وقوس‌های فراوان سرانجام بسیاری از این مشکلات برطرف شد. ممنوعیت فعالیت تعدادی از دفاتر سینمایی به دلیل پخش آئونس فیلم‌های آنها از شبکه جم، مشکلاتی را برای این دفاتر ایجاد کرده بود که طبق اطلاعیه سازمان سینمایی و پیرو مذاکره رئیس سازمان سینمایی با حجت‌الاسلام‌والمسلمین منصوری، بازپرس رسیدگی‌کننده به پرونده، با ابلاغ ویژه رئیس قوه قضائیه، مشکل اکران فیلم‌های دفاتر تعلیق‌شده شامل فیلمبران، نورتایان و پویا فیلم مرتفع شده و ادامه فعالیت این دفاتر بلامانع است.

حل مشکل دفاتر توقیف‌شده

به زعم بسیاری از اهالی سینما، پخش تیزر فیلم‌های سینمایی از شبکه «جم» توانست مخاطبان بیشتری را متوجه اکران آثار کند، هرچند به همان اندازه برخی از سینماگران را با مشکلات بسیاری روبه‌رو کرد. «ممنوع‌الکاری» عوامل و سازندگان آثاری که تبلیغ آثارشان از شبکه جم پخش می‌شد، برخی از حواشی چند ماه گذشته است. پس از کش‌وقوس‌های فراوان سرانجام بسیاری از این مشکلات برطرف شد. ممنوعیت فعالیت تعدادی از دفاتر سینمایی به دلیل پخش آئونس فیلم‌های آنها از شبکه جم، مشکلاتی را برای این دفاتر ایجاد کرده بود که طبق اطلاعیه سازمان سینمایی و پیرو مذاکره رئیس سازمان سینمایی با حجت‌الاسلام‌والمسلمین منصوری، بازپرس رسیدگی‌کننده به پرونده، با ابلاغ ویژه رئیس قوه قضائیه، مشکل اکران فیلم‌های دفاتر تعلیق‌شده شامل فیلمبران، نورتایان و پویافیل

درگذشت صدابردار «میرزاکوچک‌خان»

آهنگ‌ساز و صدابردار پیش‌کسوت سینمای ایران که این روزها، به علت عارضه شدید ریوی در بیمارستان بستری بود، از دنیا رفت. به گزارش ایسنا، فرامرز رسولی، صدابردار و آهنگ‌ساز که در عرصه میکس، ام‌وفنی صدا، برش نکاتیو، افکت، سینکرون، ضبط موسیقی، صداگذاری و... فعال بوده و ۵۰ سال سابقه فعالیت هنری داشته است، در روزهای گذشته بر اثر عارضه شدید ریوی در بیمارستان بستری شد که صبح امروز، چهارم آبان در بیمارستان «تیریتا» تهران از دنیا رفت. وی از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۷ صدابرداری فیلم‌های مختلفی چون «گنج قارون»، «بوی گندم»، «میرزاکوچک‌خان»، «شام آخر»، «سردار جنگل» و... بر عهده داشته است.به احتمال زیاد، پنجم آبان مراسم در بهشت زهرا(س) برگزار خواهد شد.

بازار هنر و گروه معکوس

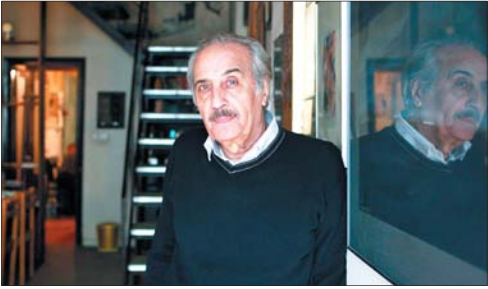
گرچی، با برپایی حراج کریستیز اتفاقات خوبی رقم خورد.
خرازی:اتفاقی یکی از نکات مثبت شاگردی استاد خلی تاوولی برای من این بود که همیشه فکر می‌کردم باید با اثر هنری ارتباط برقرار کنی و به فکر فروختنش نباشی و شاید برای خودت نگه داری. اما آقای تاوولی می‌گفتند از اولین کاری که توانستی بفروشی، می‌توانی به حرفه‌ای‌بودنت فکر کنی، تا وقتی که کاری نفروخت‌های در این کار موفق نخواهی بود. خلی تأکید می‌کردند بر اینکه اگر به همان اندازه که به خلاقیت یا کار هنری می‌پردازی به مسائل اقتصادی فکر نکنی، پول کافی برای استفاده از متریال خوب نخواهی داشت و از کارت کم می‌گذاری. قبل از آن هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم فروختن کار این‌قدر مهم باشد، اما بعد از آن اتفاق تلاش می‌کنم بتوانم کارهایم را بفروشم.

پاد:دیگران هیچ‌گاه نمی‌گویند اقتصاد هنر مهم است. اسناد تاوولی می‌گفتند باید باور کنیدی شغل شما مجسمه‌سازی است و باید از این راه زنده بمانید تا بتوانید اثر بعدی‌تان را تولید کنید!

کا **یکی از اتفاقات هنر ساز امروز برداشته‌شدن مرزبندی بین مجسمه‌سازی با بی‌چیدمان و دیگر کارهای مفهومی است. تعریف کلاسیک مجسمه خیلی عوض شده. ارزش‌های هنر محافظه‌کار موزهای و مصادیق هنری مانند نقاشی، مجسمه‌سازی و... در دوران جدید به بن‌بست خورده و در نتیجه آن، شاهد شکل‌گیری هنر**

هنر

آرامگاه سپانلو به پرلاشز می‌رود؟



شاملو که مدام شکسته می‌شد، برای مزار این شاعر هم تکرار شود». او از پیگیری برای شناسایی مجرمان این پرونده ناامید شده است: «اینجا یک مشّت آدم بی‌مصرف بودند که راهشان بی‌احترامی به قبور آدم‌های ارزشمند این

مشکل دفاتر توقیف‌شده سینمایی حل شد

روزهای بی‌قراری «جم»



مرتفع شده و ادامه فعالیت این دفاتر بلامانع است. پیرو این توافق، فیلم‌های سینمایی «یتیم‌خانه ایران»، ساخته ابوالقاسم طالبی، «متولد ۶۵»، ساخته مجید توکلی و «نفس»، ساخته نرگس آبیار به‌موقع اکران خواهد شد. از تاریخ انتشار این خبر، تیزرهای تبلیغی فیلم‌های سینمایی که از شبکه جم پخش شوند، شامل برخورد قانونی خواهند شد. سازمان سینمایی ضمن سپاس از مسئولان قوه قضائیه برای برخورد مشفقانه و رأفت اسلامی، از تهیه‌کنندگان، پخش‌کنندگان و سرمایه‌گذاران سینما می‌خواهد به موازین قانونی ابلاغ‌شده احترام گذاشته و نسبت به مسئولیت اجتماعی خود اهتمام ورزند. محمدرضا

صابری، مدیر شرکت نورتایان، درباره رفع تعلیق این شرکت به «شرق» می‌گوید: «پس از پخش آئونس‌های فیلم «دختر» از شبکه جم و قبل از اینکه قوه قضائیه به این موضوع بپردازد، نورتایان به دلیل آنچه خارج از چارچوب این شرکت اتفاق افتاده بود، به‌صورت رسمی با اداره نظارت و ارزشابی موضوع را در میان گذاشت و این شرکت به‌هیچ‌وجه مایل به پخش تیزر فیلم نبود.

نامنی‌های اخیر آنتالیا، به دفتر شبکه جم در این شهر ساحلی هم کشیده شده است. این روزها بسیاری از بازیگرانی که ماه‌ها قبل به دلیل حضور

«شطرنج باد» در سینما تک فرهنگ‌سرای نیاوران

شرق: یکی از وظایف «سینما تک» ها، یافتن و پخش فیلم‌هایی است که نسخه آنها به دلایلی مفقود شده، از بین رفته یا نسخه فعلی و در دسترس آنها از کیفیت مناسبی برخوردار نیست. پخش فیلم شطرنج باد، نخستین اثر بلند محمدرضا اصلائی، در سینما تک فرهنگ‌سرای نیاوران در حالی اتفاق می‌افتد که تا یک‌سال پیش نسخه مناسبی از این فیلم در دسترس علاقه‌مندان نبود تا اینکه بنا به گفته کارگردان، نکاتیوهای آن به‌طور اتفاقی در یک سمساری پیدا می‌شود و در آذر ۹۴ پس از اصلاح صدا و تصحیح رنگ و نور روی کپی دیجیتال، به میزبانی مؤسسه فضا، در نشست دوم از مجموعه جلسات «تاملی بر سینما و اندیشه محمدرضا اصلائی» به نمایش درمی‌آید. سینما تک فرهنگ‌سرای نیاوران به‌طور کامل بهترین نسخه موجود از فیلم را با حضور فیلم‌ساز پخش خواهد کرد.

مملکت است. به‌هرحال کسی نمی‌تواند دش‌های به هویت این شاعر وارد کند؛ چون او با کتاب‌هایش زنده است». به‌نظر می‌رسد این اقدامی هرچند تأثیرناکیز اما واقع‌بینانه در برابر اتفاقی است که در سال‌های گذشته شاهد آن بودیم. شکسته‌شدن سنگ قبرهای بسیاری از بزرگان، ادبا و به‌تازگی هم ورزشکاران. شکسته‌شدن قبرهای یووک جیکبر، همایون بهزادی، غلامحسین مظلومی و رضا احدی ابعاد وسیع‌تری به این اقدامات خرابکارانه داد. برادرزاده محمدعلی سپانلو در پی تخریب سنگ قبر این شاعر، پژوهشگر و مترجم، چندی پیش در یادداشتی نوشت: «آقایان در سازمان بهشت‌زهر ا می‌فرمایند ما کنترلی روی قطعات نداریم، حتی در قطعه نام‌آوران با برج‌وباروی اطرافش. پس مردم نازنین تهران بدانید که ممکن است هر لحظه، قبر عزیزانمان، اسطوره‌های ملی و هنری و اخیرا حتی ورزشکاران، ویران شود؛ چون سازمان مسئولیتی ندارد و نمی‌پذیرد. زمانی اگر به زندگان نه، اما به مردگان احترام می‌گذاشتیم و حرمت‌ها را نگاه می‌داشتیم».

در این شبکه به ترکیه سفر کرده بودند، به کشور بازگشته‌اند و از شرایط نامطلوب کار در این رسانه صحبت می‌کنند. با توجه به اینکه این شبکه با شعار حمایت از هنرمندان ایرانی ماه‌ها به فعالیتش ادامه داد، مشخص نیست با شرایط به‌وجودآمده از چه ترفندی برای ادامه حیاتش استفاده خواهد کرد؟ پیگیری‌های روزهای گذشته «شرق» در ارتباط با چگونگی فعالیت سینماگران در شبکه جم و طبق گفته‌های منابع آگاه نشان می‌دهد که شبکه جم به دلیل تحت فشار قراردادن عوامل خود و جلوگیری از اعتراض عوامل، اقدام به پخش آگهی جدیدی کرده که در آن از هنرمندان داخل کشور خواسته شده برای همکاری به صورت پروژه‌ای رزومه خود را ارسال کنند. شبکه جم با ارسال نام‌ای به عوامل خود به آنها گفته بود حقوق ثابت آنها قطع خواهد شد. دلیل اصلی این اتفاق، مشکلات مالی شبکه جم و عقب‌افتادگی حقوق سه‌ماهه بازیگران و عوامل بوده، ولی در نامه، بهانه این کار، کیفیت و نبودن فیلم‌نامه مناسب عنوان شده است. شبکه جم با پخش آگهی جذب نیرو به‌نوعی برای عوامل خود خط‌ونشان کشیده که در صورت اعتراض، نیروهای جدید جایگزین آنها خواهند شد و به‌خاطر ازین‌رفتن اعتبار خود در بین هنرمندان داخل کشور می‌خواهد نشان دهد که هیچ اتفاقی نیفتاده و نه‌تنها کسی اخراج نشده، بلکه نیروی جدید هم مورد نیاز است. زمانی تپ پیوستن به شبکه جم در بین بازیگران فراگیر شده بود، برخی از این بازیگران کم‌کاری در داخل کشور و نبود امنیت شغلی را دلیل پیوستن به این شبکه عنوان می‌کردند و به قول خودشان عطای ماندن در ایران را به لقایش بخشیدند و با شامیلی دیگر در سربل‌های شبکه جم ظاهر شدند؛ سربل‌هایی که به‌هیچ‌وجه کیفیت لازم را نداشتند و عملا انتظارات را برآورده نکردند. حالا عمر «جم» به‌سر آمده و باید دید سینمای ایران چگونه بدون تنفس مصنوعی این شبکه به حیات خود ادامه می‌دهد.

«سیروس نیرو» همچنان در سی‌سی‌یو

سیروس نیرو، شاعر و پژوهشگر پیش‌کسوت ادبیات، همچنان در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان بستری است. اسدالله امرایی از دوستان این شاعر به ایسنا گفت: آقای نیرو از روز پنجشنبه (۲۹ مهر) به علت عفونت ریه در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان بستری شد و روز گذشته به بخش سی‌سی‌یو منتقل شد. این مترجم خبر داد: قرار بود چند روز قبل آقای نیرو به بلژیک که دخترش در آنجا ساکن است برود، اما به علت این بیماری از رفتن به این سفر بازماند و به بیمارستان منتقل شد. فعلا هم منتظر هستیم ببینیم نظر پزشک درباره وضعیت سلامتی او چه خواهد بود. به گزارش ایسنا، سیروس نیرو متولد ۱۳۰۹ است. او از شاعران سال‌های دور است که محضر نیما را درک کرده. او به‌تازگی کتاب «گنج مراد؛ شرح غزل‌های حافظ» را منتشر کرده است.

تابلوی کلمات

نکاتی درباره نمایشگاه «دشنه در دیس»

فاصله میان تردید و انتخاب



رامین اعتمادی بزرگ

● بهرام دبیری و نقاشی‌هایش با آن فیکورهای لطیف، فضایی آرام، خطوطی ظریف و رنگ‌های سرخ و آبی لوندش همواره برای جامعه هنری ایران نام و رویدادی آشناست. آثار متأخرش سرشارند از امید به حیات، آرزو و سربایش ترانه‌های بزرگ زندگی؛ اما «دشنه در دیس» مجموعه‌ای از ۲۳ اثر چاپی کاملا متفاوت است از دبیری؛ متفاوت با آنچه چشم‌هایمان عادت کرده است از او ببینیم. گویی امید شکسته است و اسطوره‌های کهن الوان بدل به فیکورهای سیاه و سردرگم طراحی‌هایش شده‌اند. در این آثار اکسپرسونیستی او که شباهتی هم به آثار مجموعه «مرگ» کت کلوتس نقاش، چاپگر و مجسمه‌ساز آلمانی دارد، خشم و شقاوتی است که فیکورهای درهم‌تنیده سیاه، از ترس و دودلی‌هایشان، از انتخاب‌ها و مرگ روایت می‌کنند. اما مرگ، خود راوی قدرتمندی است که در هر اثر چراغی در دست می‌گیرد و راه را روشن می‌کند. آثاری کاملا متفاوت با آنچه عادت کرده‌ایم از او ببینیم. گویی در این مجموعه ما مخاطب او نیستیم، او دارد آهسته اما به شکلی که ما هم بشنویم با خود شعری را رزمه می‌کند: «می‌دانی / اینجور وقت‌هاست/ که مرگ، زله، در نهایت نفرت»^۱. نکته‌ای که همه چیز را پیچیده‌تر می‌کند، فاصله سه دهه بین خلق این آثار تا نمایش آنهاست. نقاشی‌هایی که در سال ۱۳۶۴ خلق شده‌اند و نقاش تصمیم می‌گیرد در پاییز ۹۵ آنها را به نمایش درآورد. فراموش نکنیم دهه ۶۰ شروع دوره دوم کاری آثار دبیری است که شدیداً از محیط زندگی و اطرافش تأثیر گرفته است؛ یعنی دهه دوم کاری آثار دبیری، هجرمان می‌شود با دهه‌ای پر از تنش، جنگ و مهاجرت. دهه‌ای که وطن مفهوم تعریفی خاص برای هنرمند و جامعه می‌یابد. «دهای که هنر در ایران در تلاش برای یافتن زبانی برای دل‌تکلیک با دیگران است. به‌سادگی می‌توان تصور کرد به چه دلایلی در آن سال‌ها این مجموعه امکان نمایش نیافته است. اما باید دید ذهن هنرمند چه تشابهی میان فضای آن روزها و امروز ما احساس کرده است که تصمیم می‌گیرد آتارش را با فاصله سه دهه از تولدشان دوباره مرور کند و آنها را به نمایش بگذارد؛ تجربه چرخشی تاریخی تا آن را با مخاطب شریک شود. طراحی‌هایی با تکنیک چاپ، در قاب‌های کوچک از خشم و امیدی بی‌روزن که اگرچه شبیه ما نیستند، اما در مجرای تپنده هر کدام از ما رخنه کرده‌اند. آثار این مجموعه مروری را با تأکید بر تکرار رخداد تاریخ بر سرنوشتی ناگزیر که نه قبولش کرده‌ایم و نه از آن گذشته‌ایم- فاصله‌ای میان تردید و انتخاب، ماندن و رفتن- تاریخی تکرارنشونده و شاید محتوم که تصویرگر روح داغدار این قرن است. همراه با نمایش این آثار باینانه‌ای از هنرمند بر دیوار یا کاتالوگ نمایشگاه نشتنسته است، کمبودی به‌شدت به چشم می‌آید. در نهایت اهمیت نمایش این آثار آن هم پس از گذشت سه دهه از خلقشان در شباهت آن به آینه‌ای است که هنرمند برایمان خلق می‌کند.

۱. **احمد شاملو.**

حوالی مصلا

نمایشگاه تخصصی پخش و فروش کتاب در مصلای تهران

● **شرق**: اولین نمایشگاه تخصصی پخش و فروش کتاب، هم‌زمان با هفته کتاب از ۲۴ تا ۲۸ آبان ماه در شبستان مصلای امام خمینی(ره) تهران برگزار می‌شود. در این رویداد فرهنگی و اقتصادی فقط کتاب‌فروشان (در اشکال سنتی و جدید) و توزیع‌کنندگان وپخش‌کنندگان کتاب و صنایع و خدمات وابسته به پخش و فروش کتاب حضور خواهند داشت. این نمایشگاه علاوه بر اینکه محمل مناسبی برای تعاملات میان فعالان عرصه پخش و فروش صنعت نشر فراهم می‌کند، جاذبه لازم را برای دو حلقه دیگر نشر، یعنی تولیدکننده (ناشران) و مصرف‌کننده (استادان دانشگاه، دانشجویان، پژوهشگران، عموم مردم و...) خواهد داشت. هدف غایی نمایشگاه، تکرار بستر فروشگاهی نیست و همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید، رویکردی تخصصی را مد نظر قرار داده است؛ هرچند امکان فروش را صرفاً برای کتاب‌فروشان حاضر در نمایشگاه منع نمی‌کند و قصد دارد فرصت حضور در نمایشگاه را برای کتاب‌فروشان و بخش‌کنندگان کتاب که تاکنون دسترسی کمتری به این امکان داشته‌اند، فراهم کند. حسین صفری، دبیر اولین نمایشگاه تخصصی پخش و فروش کتاب است که پیش‌ازاین در دوره‌های متعددی از نمایشگاه‌های مختلف فرهنگی و کتاب، مسئولیت‌های اجرایی و حضور داشته است. اولین نمایشگاه تخصصی پخش و فروش کتاب، با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، مشارکت مصلای تهران و حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌شود.

ادامه از صفحه ۱۱

استخوان‌هایمان را محکم کردیم

مثل آر تیست‌های دیگر دنیا هر کاری در هر جا که خواستیم انجام دهیم.
پاد: من در آتلیه خودم ۲۵ کار برنز از سال‌های قبل دارم که فروش نرفته. هیچ‌وقت فکر نکرده‌ام قیمت را کم یا مثلا کارم را براق‌تر کنم.
مجموعه‌داران
کا **بخش مهمی از خریداران آثار هنری، مجموعه‌دارانی هستند که مستقیم با هنرمند وارد مذاکره می‌شوند. روش عرضه کار خیلی تغییر کرده و صرفا به واسطه گالری نیست. این روش‌ها را امتحان می‌کنید؟**
گرچی: کار در کارگاه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد. دسته‌ای از کارها سفارشی است و سلیقه سفارش‌دهنده در نظر گرفته می‌شود. کار سفارشی برای پول انجام می‌شود و شما تعیین می‌کنید مثلا رنگ کار چطور باشد. من خودم در کارهای سفارشی‌ای که می‌گیرم سعی می‌کنم سلیقه خودم را به طرف مقابل بقبولانم؛ ولی اگر قبول نکنم مجبورم با سلیقه او جلو بروم.
پاد: از سال اولی که نمایشگاه برگزار کردیم کم‌کم هرکدام‌مان طرفدارانی پیدا کردیم. مثلا نمی‌توانیم بگوییم کلکتورها همه ذائقه‌ها واحد دارند. دوست کلکتوری داریم که مثلا کارهای مینا سرلک را دوست دارد و منتظر است مینا نمایشگاه بعدی‌اش را برگزار کند. یا کارهای دیگران به همین نحو. گالری‌دارهایی که با آنها کار می‌کنیم از تجربه‌شان می‌گوید کدام مجموعه‌دار، راغب به خرید آثار هر کدام از ماست. هنرمند نباید به خاطر فروش تغییر جهت دهد.

سخت‌تر را می‌رویم و هیچ پولی در کار نیست. واقعا خیلی فرسایشی است. روی فضای مارکت نصفه‌نیمه هنری، که تابع بالا‌پایین‌رفتن‌های اقتصادی است، نمی‌توانیم هیچ باز کنیم؛ اما تا‌به‌حال به راهمان است و نمی‌توانید حساب کنید پنج سال بعد قرار است چه اتفاقی بیفتد اما با این مدل جلو می‌رویم. باید هزینه همه کارها را خودمان بپردازیم. خرج قسمت‌های مختلف کار و اینها گران هستند. گالری‌ها بیشتر نگاه اقتصادی دارند تا هنری. بیشتر محلی برای عرضه و فروش شده‌اند. در واقع گالری‌ها با هنرمند شریک اقتصادی می‌شوند. خیلی وقت‌ها گالری‌ها می‌توانند نقش حمایت‌کننده داشته باشند گاهی هم این نقش را دارند اما در سطحی محدودتر. در اصل گالری با ما در درصد فروش شریک می‌شود.

مجممه‌ساز صرف گالری‌ها درست کرده‌ام که متریالی

غیرقابل فروش داشته و از ۱۰ سال قبل هم فروش نرفته‌اند و هنوز به این کار ادامه می‌دهم. بسته به پروژه شخصی‌ای که تعریف کرده و کار می‌کنم، متریالم را انتخاب می‌کنم. البته قسمت فروش برای ادامه کار خیلی خیلی مهم است و اما بتخصه به این قسمت خیلی بها ن داده‌ام.
رشتیان: صحبت‌ها واقع‌بینانه است اما به نظر، هنرمندان باید تا جایی که می‌توانند، مقاومت کنند. خرازی: اما همیشه نمی‌شود مقاومت کرد. اگر حامی داشته باشیم مثلا یک گالری‌دار یا آرتیست که همیشه در بخش فروش خیال ما را راحت کند، می‌توانیم